

موانع و راهبردهای پیامبر رحمت <sup>ﷺ</sup> در اشاعه امر به معروف و نهی از منکر

### چکیده

خداوند انسان را آماده تربیت آفرید. ویکی از راههای تربیت امر به معروف و نهی از منکر قرار داد. امر به معروف، فرمان دادن به کارهای نیک است و نهی از منکر منع کردن از ارتکاب بدی‌ها و زشتی‌ها است در ضرورت بحث کافی است توجه داشته باشیم که با وجود آن، جامعه اصلاح و از فساد و تباهی نجات یافته و باعث احیاء دین و ضامن اجرای قوانین و دستورات اسلام است. مهمترین موانع تحقق امر به معروف و نهی از منکر از منکر از منظر حضرت رسول <sup>ﷺ</sup> بی‌خردی، طمع و ترس می‌باشد. اشاعه امر به معروف و نهی از منکر باید تدریجی، با رفق و نرمی و به صورت همگانی باشد. در صورت ترک باید منتظر عذاب الهی بود، که کمترین آن درگیری امت اسلامی باهم میباشد.

کلید واژه: امر به معروف، نهی از منکر، پیامبر رحمت <sup>ﷺ</sup> علل بی تفاوتی، کیفیت اشاعه امر و نهی، پیامد ترک امر و نهی.

### مقدمه

مهمترین هدف رسالت انبیا را تربیت و تزکیه تشکیل می‌دهد. و انسان موجودی است که بیشترین نیاز را به تربیت و رسیدن به کمال دارد؛ اگر انسان تربیت شود و در مسیر کمال و بلند پروازی قرارگیرد، پله‌های سعادت را به آسانی فتح می‌کند و تا بلندای آسمان انسانیت به پرواز در می‌آید، و بر قله‌های پیروزی و کمال یکی پس از دیگری سیطره می‌یابد. انسانی که این همه آمادگی برای تربیت شدن دارد، شایسته است که خداوند بهترین راه‌ها را برای تربیت او در نظر گرفته باشد، که یکی از این راه‌ها «امر به معروف و نهی از منکر» است که در تربیت فرد و جامعه کاربرد فراوان دارد. بطور کلی «امر به معروف و نهی از منکر» یکی از سنت‌های مهم در اسلام است که جلو فساد را می‌گیرد و نوعی خیزش و مشارکت همگانی است

با توجه به نقشی که امر به معروف و نهی از منکر در اصلاح جامعه و فرد دارد ضرورت طرح بحث از این دو واجب بزرگ الهی بر کسی پوشیده نیست اگر این حقیقت را باور کنیم که امر به معروف باعث احیاء دین و ضامن اجرای قوانین و دستورات اسلام است لازم است با طرح این مباحث مردم را به این وظیفه مهم آشنا کرد. بدیهی است یکی از راه‌های تشویق دیگران بر امر به معروف و نهی از منکر مشخص شدن علل ترک این دو واجب و راهکارهای عملی آن خصوصا با بهره‌گیری از سیره نبی <sup>ﷺ</sup> می‌باشد.

تاریخچه بحث امر به معروف و نهی از منکر به زمان آفرینش انسان برمیگردد زیرا خداوند اولین انسان را پیام آور امر به معروف و نهی از منکر قرار داد. از نظر نوشتاری کتب و مقالات زیادی در این زمینه نوشته شده که بر کسی کثرت آنها پوشیده نیست. و در اکثر آنها به مسئله شرائط، آداب، و مراتب امر به معروف و نهی از منکر پرداخته شده ولی در این مقاله سعی شده طبق نیاز زمان علل بی تفاوتی و راهکارهای اشاعه امر به معروف و نهی از منکر در سیره حضرت رسول <sup>ﷺ</sup> بررسی تا بیشترین اثر را به صورت کاربردی در جامعه دارا باشد.

رویکرد این تحقیق از نظر ماهیت دینی و از نظر نگرش توصیفی تحلیلی و روش کار به صورت کتابخانه‌ای می‌باشد.

## ۱- امر به معروف ونهی از منکر در اصطلاح فقهی

امر به معروف، فرمان دادن به معروف و کارهای نیک است که در اسلام معروف و شناخته شده است و نهی از منکر بازداشتن و منع کردن از ممنوعات شرعی و ارتکاب بدیها و زشتیها است. (ر. ک. فرهنگ دهخدا علی اکبر دهخدا، ماده امر و نهی) ولی متأسفانه در حال حاضر در جامعه اهتمام نسبت واجب و توجه به ترک منکرات رو به افول گذاشته و نیاز به بررسی ویژه دارد بنابر این برای بررسی و علل این موضوع باید در کلام پیامبر واکاوی کنیم

امر به معروف و نهی از منکر» یکی از سنت‌های مهم در اسلام است که جلو فساد را می‌گیرد و نوعی خیزش و مشارکت همگانی است

## ۲- عوامل بی تفاوتی نسبت به معاصی از دیدگاه پیامبر

علل و عوامل متعددی می‌توان برای مهجوریت امر به معروف ونهی از منکر هست اما بی‌گمان مهم‌ترین علل ترک این فریضه‌ی عقلی، ترس و طمع می‌باشد.

### ۱-۱ کم خردی

در زمینه کم خردی پیامبر<sup>آ</sup> می‌فرماید: ان الله تبارک و تعالی لیبغض المؤمن الضعیف الذی لا زیر له و قال: هو الذی لاینهی عن المنکر (معانی‌الأخبار محمد بن بابویه قمی، صدوق، ص ۳۴۴) همانا خداوند متعال، مؤمن ضعیفی را که زُبر ندارد، مورد غضب خود قرار می‌دهد و او کسی است که نهی از منکر نمی‌کند. بر طبق این حدیث، نتیجه این می‌شود که آن که نهی از منکر نمی‌کند (در صورت وجود شرایط) از عقل لازم برخوردار نیست، زیرا انسان عاقل آن است که کارهایش بر اساس مصلحت باشد و از کاری که مفسده‌انگیز باشد، روی گردان می‌شود و با فرض وجود شرایط امر به معروف و نهی از منکر اقدام به مصلحت دارد و آن که اقدام نکند، عملی را که دارای مصلحت بوده است، ترک نموده است و این بر خلاف اقتضای عقل است. و از سویی خود ترک امر به معروف و نهی از منکر فاقد مصلحت است و در مواردی دارای مفسده است و این نیز بر خلاف عقل می‌باشد.

### ۱-۲ ترس و طمع

در پس بسیاری از افعال ما ترس و طمع حضور دارند و ما را به انجام کاری یا خودداری از کاری دیگر برمی‌انگیزند. این‌گونه ملاحظات و محاسبات کاسبکارانه، مانع از توجه جدی به حقوق و تکالیف مربوط می‌شود. احساس می‌کنیم که وظیفه‌ای داریم و باید کاری کنیم، ولی می‌ترسیم که بر اثر اقدام ما زینانی متوجه خود و اطرافیان ما گردد. رسول الله<sup>آ</sup> می‌فرماید: لا یُحَقِّرَنَّ أَحَدُكُمْ نَفْسَهُ أَنْ یَرَى أَمْرًا لِلَّهِ تَعَالَى فِیهِ مَقَالٌ، فلا یقول: یا رَبُّ، خَشِیةَ النَّاسِ! فِیقول: فِإِیَّای کُنْتَ

أَحَقُّ أَنْ تَخْشَى . مبادا کسی از شما در جایی که پای امری از خدا در میان است و باید سخن بگویند، با سکوت کردن، خود را کوچک کند؛ زیرا [فردای قیامت] نمی تواند بگوید: خدایا! از مردم ترسیدم. چون خداوند جواب می دهد: سزاوارتر آن بود که از من بترسی. (کنز العمال، علاءالدین علی المتقی بن حسام الدین الهندی، ح ۵۵۳۴).

گاه می خواهیم دست به کاری نزنیم، اما طمع ما را برآن می دارد و چشم خرد را کور می سازد. ترس دامنه وسیعی دارد، از ترس مال و شغل گرفته تا ترس جان.. ترس باعث حق پوشی و خوارسازی است. رسول خدا در این زمینه می فرماید: لَا يَمْنَعَنَّ أَحَدَكُمْ هَيْبَةُ النَّاسِ أَنْ يَقُولَ الْحَقَّ إِذَا رَأَهُ أَوْ سَمِعَهُ . پیامبر خدا: ترس از مردم مانع از آن نشود که فردی از شما، هرگاه حقی را ببیند یا بشنود، به زبان بیاورد. (کنز العمال، علاءالدین علی المتقی بن حسام الدین الهندی، ح ۵۵۶۷).

از دیدگاه جامعه شناختی نیز مسئله قابل تبیین است. اگر ما امر به معروف و نهی از منکر را به صورت موردی و اتفاقی در نظر بگیریم، احتمال این هست که شخص امر به معروف و ناهی از منکر دچار مضایقی مالی و یا مخاطرات جانی شود؛ همچنان که گاه می شود. بسیار دیده و شنیده ایم که کسی را به سبب حق گوئی و امر به معروف از نان و هستی ساقط کرده اند. لیکن اگر به این فریضه به عنوان تکلیفی عمومی نگاه کنیم و آن را وظیفه و حق یکایک افراد جامعه بدانیم، در آن صورت اگر به فرض کسی بر اثر امر به معروف و نهی از منکر، در معرض فشار و مشکلات اجتماعی قرار گرفت، نظر به این که این کار خود نوعی منکر است، دیگران که با وجدانی بیدار مترصد امر به معروف و نهی از منکرند، به سرعت در برابر این منکر خواهند ایستاد و اجازه نخواهند داد که جریان یا حاکمیتی مانع تحقق این فریضه شوند. پس اگر همه شهروندان جامعه خود را ملزم به امر و نهی بدانند، دیگر هیچ کس نمی تواند روزی کسی را ببرد و یا جان او را بستاند و اگر هم در دل قصد آن را داشته باشد، جرأت نمی کند آن را ابراز کند؛ چه رسد که در صدد اجرای آن برآید. رسول الله ﷺ می فرماید: أَلَا لَا يَمْنَعَنَّ أَحَدَكُمْ هَيْبَةُ النَّاسِ أَنْ يَقُولَ الْحَقَّ إِذَا رَأَهُ أَوْ سَمِعَهُ بِعِزِّ اللَّهِ ، لَا يُقَرَّبُ مِنْ أَجَلٍ وَلَا يُبْعَدُ مِنْ رِزْقٍ . هان! مبادا ترس از مردم مانع از آن شود که فردی از شما حق را ببیند و نگوید. [که حق گوئی] آنه اجلی را نزدیک می کند و نه روزی را دور می گرداند. (کنز العمال : علاءالدین علی المتقی بن حسام الدین الهندی، ح ۵۵۷۰)

و نیز در تاکید این مسئله و نتیجه کار افراد ترسو می فرماید: إِذَا رَأَيْتُمْ مَتَيْتَهُ بِالظَّالِمِ أَلَّا تَقُولُ لَهُ : إِنَّكَ ظَالِمٌ ، فَقَدْ تَوَدَّعَمْنَهُمْ . هر گاه دیدی امتی از این که بهیستمگر بگویند: توستمگری، می هراسند، فاتحها آنها خوانده شده است (کنز العمال : علاءالدین علی المتقی بن حسام الدین الهندی، ح ۵۵۴۰).

علل و عوامل متعددی می‌توان برای مهجوریت امر به معروف ونهی از منکر هست اما بی‌گمان مهم‌ترین علل ترک این فریضه‌ی عقلی، ترس و طمع می‌باشد.

۲- کیفیت اشاعه فرهنگ امر ونهی در جامعه در سیره نبی اکرم ۶

۲-۱- سیره پیامبر در اجرای امر به معروف و نهی از منکر

معمولا ما انتظار داریم کسانی که در گرداب منکرات غوطه ور شده اند یک دفعه آنها را از گرداب در آوریم و یک مسلمان ایده آل بسازیم؛ در حالی که تربیت امری تدریجی است و فضایل و رذایل هیچ‌کدام یک مرتبه در جان انسان‌ها به وجود نمی‌آیند. در حقیقت می‌توان گفت که از علل نزول تدریجی قرآن توجه به این نکته مهم است، چرا که قرآن کتاب تربیتی است و برای هدایت انسان‌ها به سوی کمال مطلوب نازل شده است.

از سیره‌های پیامبر ۶ این بود که امر به معروف و نهی از منکر را با مراحل آن اجرا می‌کردند، یعنی از کم آغاز می‌نمودند و آنگاه شدت می‌بخشیدند از آنجا که گفته‌اند: «امر به معروف و نهی از منکر، به عنوان یک امر اجتماعی در موارد گوناگون جنبه ارشادی دارد و از این جهت نیز یک روش تربیتی اساسی است. انسان طبیعتا ارشاد را بهتر از دستور دادن تحمل می‌کند.» (کتاب‌العین، فراهیدی، خلیل بن احمد

پیامبر ۶ به نحو شایسته ارشادی بودن آن را در سیره‌اش نشان می‌داد که نمونه آشکار آن را در داستان سمره بن جندب می‌بینیم که علمای اصول از آن برای قاعده‌ی لاضرر استفاده کرده‌اند. در داستان سمره پیامبر ۶ کاملا مراحل را رعایت فرموده و از ملایمت و مرحله اول امر به معروف و نهی از منکر استفاده نموده است تا آخرین مرحله لازم. داستان سمره چنین است:

زراره از امام باقر ۷ روایت می‌کند که «سَمْرَةَ بِنْتُ جُنْدَب» در باغ مرد انصاری درخت خرمایی داشت که خانه انصاری در آنجا بود، سمره به سراغ نخلش می‌رفت بدون اینکه اجازه‌ای بگیرد و [یا الله بگویند] مرد انصاری گفت: ای سمره تو همواره ناگهان و بی اطلاع وارد باغ می‌شوی و ما در شرایطی قرار داریم که خوشایند نیست وقتی وارد باغ می‌شوی اجازه بگیر!

- من در راهی که مربوط به درخت خودم است اجازه نمی‌گیرم.

مرد انصاری به رسول خدا شکایت کرد، رسول خدا سمره را احضار کرد و فرمود فلانی از تو شکایت دارد، از اینکه بدون اجازه او و خانواده‌اش وارد باغ می‌شوی. از این پس با اجازه و اطلاعشان وارد باغ شو!

- آیا در راهی که متعلق به باغ خودم است اجازه بگیرم نه چنین نخواهم کرد.

- پس در این صورت باغ را واگذار کن در برابر آن درختی در فلان جا به تو می‌دهم.

- نه چنین نمی‌کنم.

- در برابر آن دو تا درخت می‌دهم .

- نمی‌خواهم معامله کنم.

پیامبر مرتب بر تعداد درختان می‌افزود که او را راضی کند، تا به ده اصله درخت رسید ولی سمره راضی نمی‌شد .

آنگاه پیامبر<sup>ؐ</sup> فرمود:

- در برابر درخت تو ده اصله درخت در فلان مکان بهتر می‌دهم.

- نه مبادله نمی‌کنم.

- درختت را واگذار تو را درختی در بهشت می‌دهم!

- نه راضی نمی‌شوم.

- تو شخص ضرر زنده‌ای هستی درحالی که: «لَا ضَرَرَ وَ لَا ضِرَارَ عَلَی مُؤْمِنٍ»، آنگاه پیامبر دستور داد تا آن درخت

را از ریشه بکنند و به سمره فرمود: درختت را بردار و هر جا که می‌خواهی بکارقمی، شیخ عباس: (کحل البصر فی سیره

سید البشر<sup>ؐ</sup>)

در این داستان می‌بینیم که چگونه پیامبر<sup>ؐ</sup> با ملایمت و مدارا سمره را وادار می‌سازد تا از راه لجاجت برگردد و به راه درست و به سوی تربیت رهنمون سازد اما متأسفانه سمره این لیاقت را نداشت. و سیره پیامبر<sup>ؐ</sup> در چنین موارد

این بود که: «در جایی اعمال زور، در جای دیگر نرمش و ملاحظت. هر کدام را در جای خودش به کار

می‌برد.» الکافی، محمدبن یعقوب کلینی، ج ۵ ص ۲۹۴) تا هم خود آن شخص تربیت شود هم مانع تربیت دیگران نشود .

چنانکه پیامبر<sup>ؐ</sup> در باره همان شخص به اصحابش خطاب می‌فرماید: داستان این مرد شبیه داستان مردی است که

شترش رمیده بود و مردم به قصد کمک به دنبال شتر می‌دویدند و شتر بیشتر می‌رمید. صاحب شتر به مردم

گفت: «به شترم کاری نداشته باشید من می‌دانم چگونه رامش کنم. آنگاه مقداری علف به دست گرفت و آرام به

طرف شتر رفت و او را نوازش کرد و مهارش را گرفت و با خود آورد. مجمع‌البحرین، طریحی، فخرالدین: تحقیق: سیداحمد

الحسینی،

پیامبر<sup>ؐ</sup> فرمود: اگر من نیز شما را در برابر اهانت و گفته آن مرد رها می‌کردم، او را می‌کشتید و با این حال داخل

در آتش می‌شد اما با او مدارا کردم از آتش نجات یافت و به دین گروید. و عاقبت نیکو یافت (کحل البصر فی سیره سید

البشر، شیخ عباسقمی، ص ۷۰)

و در نهایت از تربیت شدگان مکتب حیات بخش به حساب آمد. یکی دیگر از مصادیق شیوهی پیامبر که به امر خداوند

اجرا می‌شده است می‌توان حرمت تدریجی شراب را نام برد که خداوند یک‌باره این کار را نکرد بلکه روحیات و پذیرش

متربیان را نیز در نظر داشت، و «روشن است که اگر اسلام می‌خواست بدون رعایت اصول روانی و اجتماعی با این

بلای بزرگ عمومی به مبارزه برخیزد ممکن نبود، و لذا از روش تدریجی و آماده ساختن افکار و اذهان برای

ریشه کن کردن می‌گساری که به صورت یک عادت ثانوی در رگ و پوست آنها نفوذ کرده بود، استفاده

کرد.» (ر.ک. تفسیر نمونه مکارم شیرازی، و گروهی از دانشمندان، ج ۵ ص ۷۰).

از دیگر مصادیق کاربرد امر به معروف و نهی از منکر، در سیره پیامبر<sup>ص</sup>، فرستادن پیک‌ها و نامه‌های تربیتی آن حضرت به اطراف و اکناف عالم را می‌توان برشمرد که همه از کارکرد امر به معروف و نهی از منکر در سیره پیامبر<sup>ص</sup> حکایت دارند. پیامبر<sup>ص</sup> در نامه‌هایی که برای قبایل و سران ملت‌ها می‌فرستاد، تا آنان را به سوی دین دعوت نماید، یکی از اهداف آن را امر به معروف و نهی از منکر معرفی می‌فرماید، جای تردید نیست که پیامبر<sup>ص</sup> در دعوت نامه‌هایش جز تربیت انسان‌ها هدف دیگری نداشته است زیرا اصل بعثت پیامبر<sup>ص</sup> به منظور تربیت و تعلیم بوده در نامه‌ای که برای بنی تمیم فرستاده است حکایت گر همین معنا است در ذیل در یکی از نامه‌های آن حضرت چنین می‌خوانیم: وقتی دعوت نامه پیامبر<sup>ص</sup> به طایفه بنی تمیم رسید احنف پرسید: به چه چیزی ما را دعوت می‌کنند؟ به او گفتند: به امر به معروف و نهی از منکر. گفت: «سخن زیبا و (دعوت نیکویی) است.» به پیامبر<sup>ص</sup> این حکایت را اطلاع دادند، پیامبر<sup>ص</sup> برای گوینده آن دعا فرمود. (طبقات المحدثین باصبهان والواردین علیها، ابی عبد الله بن محمد بن جعفر بن حیان: ج ۱ ص ۲۹۷).

قرآن کریم، (سوره آل عمران، آیه ۱۵۹) در بیان اخلاق نیک پیامبر<sup>ص</sup>، در دعوت مردم به دین مبین اسلام می‌فرماید: از رحمت‌های خداوند نسبت به تو این است که تو را مهربان و خوش خوی گردانید. که اگر تندخو و سخت دل بودی، مردم از گرد تو پراکنده می‌شدند.

از شیوه‌های مهم و مؤثر در امر به معروف و نهی از منکر، نرم‌خویی و محبت است؛ خصلتی که موفقیت پیامبر<sup>ص</sup> بنا به تصریح قرآن کریم مرهون آن بوده است.

چه زیباست اگر این سیره نیکوی پیامبر اکرم<sup>ص</sup> الگویی همه افراد در اجرای فریضه امر به معروف و نهی از منکر باشد. امام علی<sup>ع</sup> از رسول خدا<sup>ص</sup> نقل می‌کند که فرمود: نباید امر به معروف و نهی از منکر کند، جز آن که این سه صفت در او باشد: در آنچه بدان امر می‌کند، رفیق و در آنچه از آن نهی می‌کند رفیق باشد. (مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، میرزا حسین نوری طبرسی ج ۱۲، ص ۱۸۶)

البته باید توجه داشت امر به معروف و نهی از منکر که در لسان پیامبر<sup>ص</sup> تحت عنوان رفق آمده است. مقصود از آن، ملایمت، نرمی، مدارا و رفاقت با تارک معروف و مرتکب منکر است. نه این که با او دوستی و رفاقت به معنای امروزین داشته باشیم، بلکه در برخورد هایمان راه نرمی و مدارا را پیش بگیریم و دوستانه و مشفقانه بکوشیم خطاکار را از راه کج بازآوریم. هنگامی امر و نهی ما مؤثر می‌افتد که راه همدلی را برگزینیم و تارک معروف را همچون بیماری بدانیم که نیازمند کمک ما است. خداوند متعال به پیامبرش<sup>ص</sup> می‌آموزد تا از منکر بیزار باشد، بی‌آن که از عاملان آن بیزاری جوید و به او می‌فرماید: «پس اگر تو را نافرمانی کردند، بگو: من از آنچه می‌کنید بیزارم.» (سوره شعراء، آیه ۲۱۶) در نتیجه حضرت رسول<sup>ص</sup> از کردار نادرست آنان بیزاری می‌جوید، نه از خود آنان. همچنان که طیب از بیمار متنفر

نیست و بر آن است تا او را درمان کند و از چنگال بیماری برهاند. کسانی که در صدر اسلام می‌زیستند و از نزدیک با تعالیم وحیانی و نبوی آشنا بودند، این نکته را نیک دریافته بودند. لذا اگر کسی از آنان مرتکب گناهی می‌شد و برای حد خوردن خود را معرفی می‌کرد، به رسول خدا<sup>ص</sup> یا امام علی<sup>ع</sup> عرض می‌کرد: طهرنی؛ «پاکم ساز». آنان به نیکی می‌دانستند که هدف از حد زدن، نه کیفر دادن گناهکار، که پاک ساختن او از گناه است. آن که در پی امر و نهی است، نیز باید چنین نگاهی به امر و نهی خود داشته باشد. (مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، میرزا حسین نوری طبرسی، ج ۱۲، ص ۱۸۶)

مهم‌ترین کارکرد اجتماعی امر به معروف و نهی از منکر، تأمین حقوق همگان، اصلاح عامه، بازداشتن بدکاران، ممانعت از تجاوز به محرومان، حفظ نظام اجتماعی سالم، برقراری عدالت و نگاه‌داشتن نظام ارزشی و اخلاقی جامعه است. اگر این فریضه ترک شود، به تدریج صالحان مست قدرت می‌شوند و تباه می‌گردند، یا شیران بر مسند قدرت می‌نشینند و آن‌گاه دعای نیکان مستجاب نمی‌شود؛ چرا که خود کرده را تدبیر نیست. این آفت در همین حد باقی نمی‌ماند، بلکه به تدریج اساس جامعه مضمحل می‌گردد و راه تباهی در پیش می‌گیرد.

مهم‌ترین کارکرد اجتماعی امر به معروف و نهی از منکر، تأمین حقوق همگان، اصلاح عامه، بازداشتن بدکاران، ممانعت از تجاوز به محرومان، حفظ نظام اجتماعی سالم، برقراری عدالت و نگاه‌داشتن نظام ارزشی و اخلاقی جامعه است.

### ۳- پیامدهای ترک امر به معروف و نهی از منکر در کلام نبی<sup>ص</sup>

در صورت ترک فریضه امر به معروف و نهی از منکر مشکلاتی برای فرد و جامعه ایجاد می‌گردد. از جمله آن مشکلات در حدیث از پیغمبر اکرم<sup>ص</sup> است که می‌فرماید: «لَتَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ تَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ أَوْ يُسَلِّطَنَّ اللَّهُ عَلَيْكُمْ شِرَارَكُمْ فَيَدْعُوا خِيَارَكُمْ فَلَا يُسْتَجَابُ لَهُمْ» (فروع کافی، محمد بن یعقوب الكلینی، ج ۴ / ۵۶)

باید امر به معروف و نهی از منکر را داشته باشید، این دو باید وجود داشته باشند و گرنه بدان شما بر شما مسلط می‌شوند، بعد خوبان شما می‌خوانند و به آنها جوابی داده نمی‌شود. و نیز امام رضا<sup>ع</sup> از پیغمبر اکرم<sup>ص</sup> نقل می‌کند:

اِذَا تَوَاكَلَتِ النَّاسُ الْاِمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ فَلْيَأْذَنُوا بِوَقَاعِ مِنَ اللّٰهِ (فروع کافی، محمد بن یعقوب الكلینی، ۵ / ۵۹)

هر گاه مردم امر به معروف و نهی از منکر را به عهده همدیگر بگذارند (یعنی هر کس سکوت کند به انتظار اینکه دیگری امر به معروف و نهی از منکر کند و در نتیجه هیچ کس قیام نکند پس برای عذاب الهی منتظر و آماده باشند. عذاب الهی در آیه قرآن چنین تفسیر شده است: «قل هو القادر علی ان یبعث علیکم عذاباً من فوقکم او من تحت ارجلکم او یلبسکم شیعاً و یدیق بعضکم بأس بعض» (سوره انعام، آیه ۶۵) (از عذاب خدا بترسید) بگو خدا قادر است که از بالای سر شما بر شما عذاب بفرستد یا از زیر پای شما عذاب را بجوشاند یا شما را دسته دسته کند، یا

اینکه زیان خود شما را به خود شما برساند (یعنی خودتان را به جان یکدیگر بیندازد) اهل بیت در روایات خود چنین معنی می کنند: عذاب بالای سر یعنی شما از مافوقها عذاب می بینید، عذاب از زیر پا یعنی از طبقه مادون عذاب می بینید. پیغمبر اکرم<sup>ؐ</sup> فرمود: وقتی مردم امر به معروف و نهی از منکر را رها کنند، منتظر و مطمئن باشند که پشت سر آن عذاب الهی می آید.

در روایتی که از پیامبر اکرم<sup>ؐ</sup> رسیده در زمینه آثار اجتماعی ترک امر به معروف و نهی از منکر آن حضرت فرموده است: یک فرد گنه کار در میان جامعه همانند کسی است که با جمعی سوار کشتی شود و به هنگامی که در وسط دریا قرار گیرد تبری برداشته و به سوراخ کردن موضعی که در آن نشسته است بپردازد و هرگاه به او اعتراض کنند در جواب بگوید من در سهم خود تصرف می کنم. اگر دیگران او را از این عمل خطرناک باز ندارند طولی نمی کشد که آب دریا به داخل کشتی نفوذ کرده و یک باره همگی در دریا غرق می شوند. (تفسیر نمونه، آیت الله مکارم و همکاران، ج ۳، ص ۳۷) مسلمانان در جایی که امر به معروف و نهی از منکر با همه شرایطش اجرا شود، حساسیت عمومی نسبت به گناه در دلها موج می زند اما آنگاه که این سنت پسندیده متروک واقع شود، همان شرایط و اوضاع غلبه می یابد که پیامبر<sup>ؐ</sup> شرح داده است. بدان حاکم می شود و خوبان در گوشه ها می خزند و در چنین محیط و اوضاع تربیت سالم مشکل می شود. از نبی<sup>ؐ</sup> نقل است: «من امر بالمعروف و نهی عن المنکر فهو خلیفه الله فی ارضه و خلیفه رسول الله و خلیفه کتابه.» (مجمع البیان، طبرسی، ج ۲، ص ۴۸۶) هر کس امر به معروف و نهی از منکر کند، خلیفه ی خداوند در زمین خواهد بود و (نیز) جانشین رسول خدا<sup>ؐ</sup> و کتاب او (قرآن) خواهد شد.

مسلمانان در جایی که امر به معروف و نهی از منکر با همه شرایطش اجرا شود، حساسیت عمومی نسبت به گناه در دلها موج می زند

حاصل کلام اینکه مهمترین هدف خلقت تربیت انسان است و این مهم در سایه عمل به فریضه امر به معروف و نهی از منکر محقق می گردد. در نتیجه زمینه عروج از پله های سعادت و رسیدن به کمال و سیطره به کائنات از طریق الگوگیری در این راه از پیامبر رحمت<sup>ؐ</sup> میسر است. مهمترین موانع تحقق امر به معروف و نهی از منکر از منظر حضرت رسول<sup>ؐ</sup> بی خردی، طمع و ترس می باشد. و در صورت غلبه بر آنها بدست آوردن مصلحت این فریضه امکان پذیر خواهد بود. اشاعه امر به معروف و نهی از منکر همانگونه که شیوه رسول خدا<sup>ؐ</sup> بوده است باید تدریجی، با رفق و نرمی و به صورت همگانی باشد تا شاهد بیشترین تاثیر باشیم. والا در صورت ترک باید منتظر عذاب الهی بود، که کمترین آن درگیری امت اسلامی باهم می باشد.

کتابنامه

قرآن



- ۱- فرهنگ دهخدا دهخدا، علي اكبر: انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۳ش.
- ۲- معاني الأخبار محمد بن بابويه قمي، صدوق، انتشارات اسلامي، قم، ۱۳۶۱ش .
- ۳- كنز العمال، علاء الدين على المتقى بن حسام الدين الهندي، موسسه رساله، بيروت، ۱۴۰۱ ق.
- ۴- العين، فراهيدي، خليل بن احمد: تحقيق: مهدي المخزومي / ابراهيم السامرائي، دوم، مؤسسة دار الهجرة، 1408ق.
- ۵- كحل البصر في سيرة سيد البشر قمي، شيخ عباس: ، انتشارات رسول مصطفي، قم، ۱۴۰۴ق.
- ۶- الكافي الكليني، محمد بن يعقوب: ، چهارم، دار الكتب الإسلامية، تهران، ۱۳۶۵ش
- ۷- مجمع البحرين طريحي، فخر الدين: ، تحقيق: سيداحمد الحسيني، دوم، مكتب نشر الثقافة الإسلامية، ۱۴۰۹ق.
- ۸- مسالك الأفهام الي تنقيح شرائع الاسلام، عاملي (شهيد ثاني)، زين الدين بن علي: اول، تحقيق و نشر: مؤسسة معارف اسلامي، قم، ۱۴۱۳ق.
- ۹- تفسير نمونه، مكارم شيرازي، و گروهی از دانشمندان، بیست و دوم، دار الكتب الاسلاميه، تهران بی تا.
- ۱۰- مکاتیب الرسول ۶ علي: احمدي میانجي، ، اول، دار الحديث، ۱۹۹۸م.
- ۱۱- شرائع الاسلام في مسائل الحلال والحرام، محقق حلي: تحقيق: سيد صادق شيرازي، دوم، انتشارات استقلال، تهران 1409ق.
- ۱۲- مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ميرزا حسين نوري طبرسي، موسسه آل البيت، قم، ۱۴۰۷ق
- ۱۳- فروع کافی، محمد بن يعقوب الكليني، دار الكتب الإسلامية ۱۳۶۷ش
- ۱۴- مجمع البيان، طبرسي، ج ۲، ص ۴۸۶